



تحلیل و بررسی ادلة سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت(ع) [♦]

سید مصطفی حسینی¹

چکیده

هدف: هدف از نگارش این مقاله، دفاع صحیح از ولایت تکوینی اهل بیت(ع) به عنوان یکی از آموزه‌های مهم تشیع بود که توسط سلفی‌گرایان ایران مورد نقد و تردید قرار گرفت. **روش:** برای دستیابی به هدف مقاله، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شد؛ بدین ترتیب که ابتدا دلایل و شبهات سلفی‌گرایان ذکر و سپس، تحلیل و بررسی شد. **یافته‌ها:** بر خلاف دیدگاه سلفی‌گرایان ایران، اهل بیت(ع) به لحاظ ظرفیت وجودی، با سایر انسانها تفاوت دارند و به اذن خداوند، قادر به تصرفاتی تکوینی در عالم‌اند. اشتباه آنان در نگاه گزینشی و ناقص به دسته‌ای خاص از نصوص دینی بود که اغلب سند معتبری نیز ندارند. **نتیجه‌گیری:** ادعای سلفی‌گرایان ایران در نتایج باور به ولایت تکوینی اهل بیت(ع)، همچون: غلو، شرک و تعارض با روایات، نادرست بود و نه تنها این اعتقاد، مفاسدی که سلفی‌گرایان بیان کردند نداشت، بلکه نصوص دینی اثبات‌کننده آن بودند و حتی برخی شواهد عقلی مهم نیز وجود داشتند که این نصوص را تأیید کردند

واژگان کلیدی: ولایت تکوینی، سلفی‌گرایان ایران، اهل بیت، غلو، شرک.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

♦ دریافت مقاله: 98/12/25؛ تصویب نهایی: 99/03/25

1. دانشجوی دکتری رشته کلام اسلامی، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی / نشانی: قم؛ پردیسان، بلوار امام علی، مجتمع امام رضا، بلوک 3، واحد 11 / شماره: 32808903 / Email: hseedmostafa@yahoo.com

الف) مقدمه

ولایت تکوینی به معنای تصرف در عالم تکوین؛ از منظر متکلمان امامیه، از شئون مهم ائمه (ع) محسوب می‌شود و آیات و روایات فراوانی را دلیل قول خود ذکر کرده‌اند. در مقابل این تفکر، برخی باور به ولایت تکوینی را برای غیر خداوند (حتی پیامبر) از اساس منکر شده‌اند. سلفی‌ها نمونه بارز منکران‌اند و چون تصرف در تکوین را مخصوص خداوند متعال می‌دانند، اعتقاد به ولایت تکوینی شخصی غیر از خداوند متعال را شرک نسبت به خدا یا غلو نسبت به آن شخص می‌دانند. در ایران نیز عده‌ای شیعه دوازده امامی که با منابع و احادیث شیعیان کاملاً آشنا بودند، تحت تأثیر جریانات سلفی، چنین سخنانی را مطرح کرده‌اند؛ با این تفاوت که متأثران از سلفیه در ایران که سلفی‌گرایان ایران نامیده می‌شوند، به دلیل صبغه شیعی‌شان، عمده دلایلشان از منابع و مصادر شیعیان است. آنان با شبهه‌پراکنی و دلایلی نظیر ظواهر برخی آیات قرآن و روایات و عدم امکان توافق بین توحید افعالی و قول به ولایت تکوینی برای غیر خداوند، تلاش کردند این اعتقاد شیعیان را به چالش بکشانند. بنابر این، با توجه به رسالت علم کلام، بر آنیم تا دلایل و شبهات سلفی‌گرایان ایران را درباره ولایت تکوینی اهل بیت (ع) نقل و سپس بررسی کنیم.

درباره پیشینه این پژوهش، اگرچه به پژوهش خاصی درباره بررسی و نقد دیدگاههای سلفی‌گرایان ایران درباره ولایت تکوینی برخوردیم، اما برخی پژوهشهای صورت گرفته درباره ولایت تکوینی اهل بیت، می‌توانند در پاسخ به شبهات سلفی‌گرایان مفید باشند؛ همچون: مقاله‌های «نقش فاعلی امام در نظام آفرینش» ربانی گلپایگانی، 1388 و «جستاری در شأن ولایت تکوینی اهل بیت (ع)» (فاریاب، 1392) یا کتاب «ولایت تکوینی اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و روایات» صالح، 1397. در این آثار، اگرچه به برخی مسائل نظیر شبهه غلو، به صورت مختصر پاسخ داده شده؛ اما از آنجا که در مقام پاسخ به سلفی‌گرایان نبوده‌اند، نه اصل شبهه را آن گونه که سلفی‌گرایان مطرح کردند، بیان کردند و نه پاسخ کاملی به شبهه آنان داده‌اند. در پژوهش حاضر ابتدا دلایل و شبهات سلفی‌گرایان ایران در این زمینه، مطرح می‌شود و سپس به تحلیل و بررسی آن با استفاده از آیات و روایات می‌پردازیم. در ابتدا معنا و مفهوم چند واژه کلیدی بیان می‌شود.

1. ولایت تکوینی

ولایت تکوینی از دو واژه ولایت به معنای سرپرستی (فراهیدی، 1409، ج 8: 365) و تکوین به معنای احداث و آفریدن (زبیدی، 1414، ج 18: 48) تشکیل شده و در مجموع به معنای سرپرستی موجودات جهان و عالم خارج و تصرفات عینی داشتن در آنهاست (جوادی آملی، 1389: 123). این ولایت در مرحله اول و بالذات، از آن خداست و کسی در آن تردیدی ندارد؛ اما در حوزه انسانی آن که به اذن خداست، ولایت تکوینی به معنای قوه‌ای است که به واسطه آن بتوان در عالم تکوین تصرف کرد و فعلی غیر معمول را انجام داد (فرمانیان، 1393: 275). البته چون این تصرف در تکوین بر پایه قرب به خدا حاصل شده، می‌توان قید قرب به خدا را نیز در تعریف

آن قرار داد و گفت: ولایت تکوینی هرگونه تصرف در کل یا جزء جهان بر اثر کمال معنوی و قرب به خداست (صالح، 1397: 49). نکته مهم درباره ولایت تکوینی، عدم اختصاص آن به تصرفی خاص یا تصرفات در حوزه‌ای خاص است؛ بلکه بر اساس آیات و روایات، حوزه‌های ولایت تکوینی بسیار متعدد و متنوع است؛ به طوری که برخی، حوزه‌های ولایت تکوینی را در دو کتاب کافی و بصائر الدرجات، چهارده دسته ذکر کرده‌اند. (شاهرجبیان، 1392: 156-129)

2. سلفی‌گرایان ایران

واژه سلفی‌گری به صورت کلی به معنای دنبال‌روی و تبعیت از سلف و سلفیه است (قرضاوی، بی‌تا: 25) و سلفیه در اصطلاح، نام جریان فکری است که توسط ابن تیمیه در قرن هفتم هجری پایه‌ریزی شد و امروزه دنباله‌رو همان تفاسیر و برداشت‌های اشتباه ابن تیمیه در مفاهیمی همچون: توحید، شرک، سنت و بدعت‌اند (فرمانیان، 1395: 11). تفکرات سلفی‌گری بعد از مطرح شدن در قرن هفتم، بار دیگر در قرن دوازدهم توسط محمد بن عبدالوهاب احیا شد و به تدریج در جهان اسلام رشد کرد و دامنه آن به ایران هم رسید و برخی از متفکران ما را نیز تحت تأثیر خود قرار داد و عقاید و باورهای آنان را که شیعه بودند، متحول ساخت. این افراد به دلیل شباهت اعتقاداتشان با سلفی‌ها و متأثر بودن از آنان در آموزه‌های فراوانی همچون: نفی و انکار زیارت، شفاعت، توسل، ولایت تکوینی اهل بیت (ع)، مبارزه با ساختن بنا بر قبور و... به سلفی‌گرایان ایران نامیده شده‌اند و برخی از مهم‌ترین آنان عبارتند از: سید ابوالفضل برقی، حیدرعلی قلمداران و سید مصطفی طباطبایی.

ب) دیدگاه و ادله سلفی‌گرایان ایران در ردّ ولایت تکوینی اهل بیت (ع) و بررسی آن

ولایت تکوینی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی است که امامیه برای ائمه معصوم (ع) قائل‌اند. در مقابل، اهل سنت از آنجا که امامت را الهی و منصوص من الله نمی‌دانند با چنین اعتقادی مخالف‌اند. سلفیه که یکی از انشعابات اهل سنت است و افراد متأثر از آنان، مخالفت جدی با این عقیده شیعیان دارند؛ به طوری که این بحث در بسیاری از آثار آنان یافت می‌شود و حتی برخی نوشته‌های سلفی‌گرایان ایران با همین عنوان نوشته شده است؛ از جمله کتاب «درسی از ولایت». در این کتاب، دلایل قائلان به ولایت تکوینی زیر سؤال برده شده و با استناد به آیات و روایاتی، تلاش شده وساطت فاعلی مخلوقات منتفی دانسته شود. در مجموع می‌توان انتقادات اصلی سلفی‌گرایان ایران را به ولایت تکوینی اهل بیت (ع)، در سه محور ذیل خلاصه کرد:

- غلو، به این معنا که ائمه (ع) انسان‌اند و همانند سایر انسانها حد و اندازه خاصی دارند؛ اما انتساب ولایت تکوینی به ایشان، خارج کردن ایشان از حد و ظرفیتشان است.
- شرک، از منظر سلفی‌گرایان همه افعال خلق و قدرت و... در این عالم توسط خداوند انجام می‌گیرد و اختصاص به خدا دارد. بنابر این، اعتقاد به قدرت تصرف تکوینی داشتن اهل بیت (ع)، نقض توحید

1076 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

افعالی و در نتیجه، شرک به خداوند است.

- روایات مخالف، به این معنا که روایاتی وجود دارد که در آنها اهل بیت (ع) تصریح به نداشتن قدرت بر تصرف در تکوین کرده‌اند.

1. غلو

در جای جای نوشته‌های سلفی گرایان ایران درباره ولایت تکوینی اهل بیت (ع)، اتهام غلو نمود زیادی دارد؛ تا جایی که کتابی با نام «راه نجات از شر غلات» نوشته شده و مقصود از غلات در آن، شیعیان دوازده امامی دانسته شده است. نویسنده کتاب، یکی از موارد غلو شیعیان را اعتقاد به ولایت تکوینی اهل بیت (ع) دانسته است که شیعیان برای فرار از پاسخگویی در محضر خداوند برای خود جعل کرده‌اند: «غالیان زمان نیز چون می‌بینند با چنین خدایی (خدایی که مسئولیت اعمال هر کس را متوجه خودش می‌داند) باید مراقب اعمال نفس خود بود، لذا برای فرار از سرزنش وجدان، به غلو درباره امامان می‌پردازند و با احادیث اعجاب، بلکه اکاذیب و دور از منطق عقل و شرع، پاره‌ای از اولیای الهی را به مقام خدایی می‌رسانند. (قلدارن، بی تا: 17)

به اعتقاد سلفی گرایان ایران، ولایت بر تکوین و قدرت بر تصرف در آن، از حیطة اهل بیت (ع) فراتر است؛ زیرا در قرآن چنین قدرتی به ایشان منسوب نشده یا حتی از ایشان سلب شده است:

- آیاتی که رسول خدا (ص) را با سایر انسانهایی که ولایت تکوینی ندارند، یکسان می‌دانند: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ». (کهف: 110)
 - آیاتی که رسول خدا (ص) را تنها منذر و تذکر دهنده معرفی می‌کنند و شأن خاصی مانند ولایت تکوینی برای ایشان بیان نمی‌کنند: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ». (غاشیه: 21)
 - در برخی آیات، وکالت رسول خدا (ص) از خدا رد شده؛ بنابر این، نمایندگی از خدا در تصرف در تکوین به طریق اولی لغو می‌شود: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا» (سراء: 54)؛ «وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَ مَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ». (نعام: 107)
 - لازمه ولایت تکوینی، دانستن حقایق هستی است؛ در حالی که در برخی آیات، عدم آگاهی از حقایق هستی به پیامبر اسلام (ص) و پیامبران دیگر نسبت داده شده است: «مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ». (ص: 69)
- نتیجه کلام اینکه، تمامی این آیات به ما نشان می‌دهند که اهل بیت (ع) مانند انسانهای معمولی‌اند و تفاوتی در داشتن ولایت تکوینی و نداشتن آن با سایر انسانها ندارند؛ تنها تفاوت ایشان با انسانهای دیگر این است که امامت و رهبری جامعه را برعهده دارند و این مسئولیت، نیازمند ولایت تکوینی نیست. بنابر این، نسبت دادن ولایت تکوینی به اهل بیت (ع)، غلو و خارج از حد و اندازه اهل بیت (ع) است.

بررسی

«غلو» در لغت به معنای فراتر رفتن از اندازه و زیاده‌انگاری است و در اصطلاح، غالی به کسی می‌گویند که تظاهر به اسلام می‌کند و به امیرالمؤمنین و امامان دیگر از نسل آن حضرت، نسبت‌های خدایی و پیغمبری می‌دهد و فضیلتی به ایشان نسبت می‌دهد که خارج از حد و اندازه است (شیخ مفید، 1371، ج 5: 131). در بررسی و پاسخ به غلو بودن تصرفات تکوینی اهل بیت، دو نکته باید مد نظر قرار گیرد:

اول اینکه، تصرف در عالم تکوین، بالذات مخصوص خالق آن است و هیچ مخلوقی نمی‌تواند تصرف بالذات در عالم داشته باشد. اما معنای این سخن این نیست که هیچ کس به غیر از خدا، قدرت بر تصرف در تکوین ندارد؛ بلکه خداوند متعال به برخی از بندگان خود چنین اذنی را داده و ایشان در برخی موارد از این قدرت خود استفاده کرده‌اند. در ادامه به برخی از تصرفات تکوینی اهل بیت (ع) اشاره خواهد شد.

دوم اینکه، هر کسی نمی‌تواند چنین اذنی را از پروردگار دریافت کند، بلکه مأذونان در تصرف تکوینی در عالم، تفاوتها و فضیلتی دارند که بروز این گونه تصرفات را از ایشان، منطقی جلوه می‌دهد. به عبارتی؛ بعد از بررسی شئون و ویژگی‌های اهل بیت (ع)، اگر شأن و منزلت ویژه‌ای برای اهل بیت (ع) اثبات نشود و در نتیجه تفاوت ملموسی با سایر انسانها نداشته باشند، سخن سلفی‌گرایان منطقی‌تر جلوه خواهد کرد. اما اگر مشخص شود اهل بیت (ع) شئون ویژه‌ای دارند، در این صورت ادله سلفی‌گرایان، چه آیات قرآن و چه اخبار غلو، ناتمام‌اند؛ زیرا دلایل آنان نشان‌دهنده عدم تمایز میان انسانها و اهل بیت (ع) است که با اثبات شئون و ویژه‌ای ایشان، این ادله باطل خواهند شد.

در این زمینه اجمالاً می‌توان گفت: مقام و جایگاه امام بر خلاف سخن سلفی‌گرایان، تنها برآمده از امامت و رهبری جامعه نیست. توضیح اینکه، در نگاه امامیه، اهل بیت (ع) علاوه بر شئون حاکمیت و مرجعیت دینی و الگوی سایر انسانها، شئونی والاتر در دنیا و آخرت دارند؛ از جمله حسابرس بندگان در آخرت (کلینی، 1407، ج 8: 162)، شاهدان اعمال (همان، ج 1: 191)، شفاعت‌کننده بندگان (همان، ج 5: 469)، صاحب و ساقی کوثر (شیخ صدوق، 1395، ج 2: 669)، تقسیم‌کننده بهشت و جهنم (همو، 1376: 361) و... که تمام این امور بر اساس منابع دینی مسلم، اثبات شده‌اند. همچنین اخبار معتبر و فراوان دیگری داریم که جایگاهی به مراتب والاتر و ارزشمند از آنچه گفته شد را برای اهل بیت (ع) ثابت می‌کنند و قسمی دیگر از مقامات و عناوین اهل بیت (ع) را به تصویر می‌کشند که وجه تمایز مهمی بین ایشان و سایر انسانهاست. این اخبار، ظرفیت ویژه وجودی اهل بیت (ع) را به صورتهای گوناگون بیان می‌کنند:

یک) اخباری که بیان می‌کنند اهل بیت (ع) به لحاظ خمیرمایه وجودی، متفاوت از دیگر انسانها هستند؛ از جمله: «عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِهِ مِنْ نُورٍ عَظَمَتِهِ فَأَقَامَهُمْ أَشْبَاحًا فِي ضِيَاءِ نُورِهِ يُعْبَدُونَ قَبْلَ خَلْقِ الْخَلْقِ يُسَبِّحُونَ اللَّهَ وَ يُقَدِّسُونَهُ وَ هُمْ الْأَنْمَةُ مِنْ وُلْدِ

1078 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

رَسُولِ اللَّهِ» (کلینی، 1407، ج 1: 541)

راویان این روایت همگی ثقة‌اند و بسیاری از آنان از بزرگان زمان خویش بوده‌اند: محمد بن یحیی (نجاشی، 1407: 353)، محمد بن احمد (همان: 348؛ شیخ طوسی، بی تا: 410)، محمد بن حسین (نجاشی، 1407: 334؛ علامه حلی، 1411: 141)، ابی سعید عصفوری (خونی، 1410، ج 9: 219؛ خاکپور، 1395: 60-71)، عمرو بن ثابت (حلی، 1383: 488؛ علامه حلی، 1411: 120)، ابی حمزه (کشی، 1347: 203؛ شیخ طوسی، بی تا: 105).

در این روایت تصریح شده که خلقت اهل بیت (ع) از نور عظمت خداوند متعال و پیش از خلقت سایر مخلوقین بوده است. چنین مضامینی در اخبار فراوان دیگری نیز وجود دارد (شیخ صدوق، 1378، ج 1: 262؛ 1395، ج 1: 255). بنابراین، تفاوت جوهریت وجود و تقدّم خلقت، یکی از ویژگی‌های خاص اهل بیت (ع) است.

دو اخباری که علت ایجاد و خلقت این عالم و پایداری آن را وجود ائمه (ع) دانسته‌اند: «خداوند به وسیله شما آفرینش را آغاز کرد و به وسیله شما به پایان می‌رساند» (شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، 1413، ج 2: 615-613). در روایت دیگری می‌خوانیم: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ فِي حَدِيثٍ لَهُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ أَنَّهُ قَالَ فِي آخِرِهِ وَكَلَّمَ لَأَنَّ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ لَنْفَضَتِ الْأَرْضُ مَا فِيهَا وَآلَقَتْ مَا عَلَيْهَا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو سَاعَةً مِنْ الْحُجَجِ» (شیخ صدوق، 1395، ج 1: 202)

راویان این روایت از نظر ثقة بودن، دو دسته‌اند: علی بن الحسین بن بابویه (نجاشی، 1407: 262)، سعد بن عبدالله قمی (همان: 178؛ شیخ طوسی، بی تا: 216)، احمد بن محمد بن عیسی اشعری (همان: 83؛ شیخ طوسی، بی تا: 61)، علی بن مهزیار (کشی، 1347: 549)، حسین بن سعید (علامه حلی، 1411: 49) که همگی در منابع مختلف رجالی، ثقة و از علمای بزرگ زمان خود معرفی شده‌اند. دسته دیگر عبارتند از: حسن بن محبوب (کشی، 1347: 556)، ابان بن عثمان (همان: 375) و زراره بن اعین (همان: 154؛ شیخ طوسی، 1381: 337) که از اصحاب اجماع ذکر شده‌اند.

این روایت شریف، به خوبی عظمت و جایگاه اهل بیت (ع) را به ما نشان می‌دهد و باقی ماندن هر لحظه‌ای زمین را مدیون وجود ایشان می‌داند؛ همچنان که حدیث معروف میان فریقین: «لولاک لما خلقت الافلاک» و حدیث «اول ما خلق الله نوری» و آیه شریفه «قل ان کان للرحمن ولد فانا اول العابدین» آن را نشان می‌دهند. (قمی، 1404، ج 1: 18)

2. شرک

محور مهم دیگر لازمه ولایت تکوینی اهل بیت (ع) از منظر سلفی گرایان ایران، شرک است. شرک به این معناست که خداوند را در امر خلقت و ایجاد، تنها ندانیم و برای او شریک قائل شویم. از منظر سلفی گرایان، ایجاد و خلق، شأن و منزلت خاصی می‌طلبد و این شأن و منزلت، تنها در خداوند وجود دارد. بنابراین، هرگونه ایجاد و خلقی مخصوص به خداست و اگر کسی دیگر را در این کار شریک بدانیم،

مشرك خواهيم بود. در اين جا دو اشكال كلي و مهم از منظر آنان وجود دارد كه نياز به بررسي دارد.

يك) اشكال اول

به اعتقاد آنان، تمام افعال اين عالم توسط خداوند، ايجاد و خلق مي‌شود. اساساً خلقت و ايجاد، مخصوص خداست و كسي نمي‌تواند در اين امور، شريك خدا باشد: توحيد افعالي آن است كه غير خدا طبق آيات قرآن و عقل، نمي‌تواند كار خدا كنند و كارهاي خدا منحصر است به خود او و يكي از صفات افعالي او قيوميت و ولايت و حفاظت اوست بر تمام اشيا... اين صفات، منحصر است به ذات احديت و هيچ رسول و امامي چنين صفاتي ندارد. (برقي، 1388: 63-62)

اين مسئله از منظر آنان در برخي آيات و روايات نيز تصريح شده است؛ از جمله: آيه 31 سورة يونس، آيه 25 سورة روم و آيه 83 سورة يس. در روايتي نيز از قول شيخ صدوق نقل کرده‌اند: «قَالَ فِي الرَّبُّوبِيَّةِ الْعَظْمَى وَ الْإِلَهِيَّةِ الْكُبْرَى لَا يُكُونُ الشَّيْءُ لَمْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يُنْقَلُ الشَّيْءُ مِنْ جَوْهَرِيَّتِهِ إِلَى جَوْهَرٍ آخَرَ إِلَّا اللَّهُ وَ لَا يُنْقَلُ الشَّيْءُ مِنَ الْوُجُودِ إِلَى الْعِلْمِ إِلَّا اللَّهُ» (شيخ صدوق، 1398: 68). همچنين در بسياري از ادعیه، خلق و خالقیت تنها به خداوند نسبت داده شده است؛ مانند اين فراز دعای جوشن كبير: «يَا مَنْ لَا يَخْلُقُ الْخَلْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُدَبِّرُ الْأَمْرَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُنَزِّلُ الْعَيْثَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يَبْسُطُ الرِّزْقَ إِلَّا هُوَ يَا مَنْ لَا يُحْيِي الْمَوْتَى إِلَّا هُوَ». (كفعمی، 1418: 410)

دو) اشكال دوم

سلفی گرایان معتقدند آلودگی به شرک، تنها این نیست که تأثیر مستقل برای شخص یا شیئی در ربوبیت خدا قائل باشیم، بلکه قرآن کریم در موارد متعدد، به مردمی که غیر خدا را به عنوان اله و رب غیر مستقل گرفته‌اند، انتقاد کرده است و این نشانه آن است که خداوند، نگاه مستقل و غیر مستقل به غیر خودش را به عنوان اله و رب، شرک می‌داند؛ از جمله این آيات عبارتند از: «تَخَذُوا أَحْبَارَهُمْ وَ رُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ وَ الْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَ مَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ سُبْحَانَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» (توبه: 31)؛ «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ» (آل عمران: 64)؛ «وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَ النَّبِيِّينَ أَرْبَابًا» (آل عمران: 80)؛ «قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ» (اعراف: 138)؛ «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان: 43)؛ «يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَانِ عَصِيًّا» (مريم: 44)؛ «وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ» (انعام: 121). در هر کدام از این آيات، مخاطبان آیه، تأثیرات غیر مستقلانه‌ای برای شخص یا شیئی در برابر خداوند قائل شده‌اند؛ زیرا مراد مخاطبان در آيات مذکور از هوای نفس و برخی علمای دینی و ...، قطعاً خدایی و تأثیر مستقلانه آنان نبوده، ولی قرآن کریم این دسته از مردم را توبیخ کرده و مشرک نامیده است. برای مثال، در آیه آخر، زمانی که پیروان حضرت موسی (ع) از کنار رود نیل گذشتند و به قومی برخوردند که بتها را عبادت می‌کردند، از حضرت موسی خواستند که برایشان معبودی قرار دهد. روشن است مقصود آنان این نبوده که این معبود، واجب‌الوجود و

1080 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

خداوند خالق زمین و آسمان است، بلکه مقصودشان معبودی بوده که تأثیری غیر مستقل در عالم تکوین داشته است. (برقی، بی تا: 130)

یکی از سلفی گرایان ایران بعد از نقل این دسته از آیات می نویسد: «بنابر این ملاحظه می کنید که ملائک شرک و توحید در قرآن بسیار وسیع تر از آن است که خرافاتیون ادعا می کنند. بنابر این، اگر کسی شرک را منحصر به خدا دانستن غیر «لله» بداند و بگوید: شرک عبارت از آن است که یا کسی را خدا بدانیم یا عبادت کسی کنیم به عنوان اینکه او خدا است یا حاجت از کسی خواهیم به عنوان اینکه او مستقل در تأثیر است و خداست؛ اگر نگوییم قصد عوام فریبی داشته با اطمینان می گوئیم که با قرآن و تاریخ جزیره العرب نا آشنا بوده است». (همو، 1431: 133)

سه) بررسی اشکال اول

سخن سلفی گرایان ایران از دو منظر قابل بررسی است: اول اینکه، تنها ادله و سخنان خودشان مد نظر باشد. دوم اینکه، آیات و روایات دیگر نیز مورد توجه قرار گیرند. اگر تنها ادله و سخن خود سلفی گرایان مد نظر باشد، جبر و عدم اختیار انسان نتیجه اش خواهد بود. توضیح اینکه، دلایلی که سلفی گرایان ذکر کرده اند، تنها شامل تصرفات اعجاز آمیز در تکوین نمی شود، بلکه هرگونه ایجاد و خلقی را در عالم شامل می شود و از آنجا که بازگشت بسیاری از افعال انسان، حتی نوشتن، راه رفتن و... به ایجاد است، پس شامل تمامی افعال انسان نیز خواهد شد. نتیجه چنین سخنی این است خدا خالق و فاعل بسیاری از افعال انسان است و این همان جبر و عدم اختیار انسان است.

از منظر دوم نیز اشکال سلفی گرایان این است که بسیاری از آیات و روایاتی که خلق و ایجاد به انسان نسبت داده شده، نادیده گرفته شده است؛ از جمله آیاتی که این گونه امور را به انسان نسبت داده اند عبارتند از: آیه 110 سوره مانده، آیه 38 سوره رعد، آیه 40 سوره نمل، آیات 36 تا 38 سوره صاد. بنابر این، نمی توان به صرف دیدن چند آیه قرآن، آیات و روایات دیگر را کنار گذاشت.

در اینجا لازم است پاسخی جامع داده شود که تمامی آیات قرآن کریم در آن لحاظ شده باشد. اما قبل از ورود در پاسخ، ضروری است مقدمه ای کوتاه بیان شود و آن اینکه، استناد یک پدیده به فاعل آن (در صورت تعدد فاعل) گاه به طریق طولی است؛ یعنی دو یا چند عامل در سطوح مختلف، پدیده ای را به وجود آورند یا بر آن تأثیر گذارند. در این صورت، انتساب فاعلیت به همه عوامل صحیح است. همان طور که سبز شدن گیاه، محصول عوامل متعددی چون؛ خداوند متعال، نور آفتاب، آب، هوا و انسان است یا اعدام یک شخص، برآمده از فرمان فرمانده ارتش و فعل مأمور وی است. در این صورت، انتساب فاعل به تمامی این عوامل، صحیح و منطقی است. (مصباح یزدی، 1376، ج 1: 108-107)

بعد از بیان مقدمه می گوئیم: در تصرفات اعجاز آمیز تکوینی همانند سایر افعال انسانی، فاعلیت طولی

انسان و خداوند وجود دارد؛ به این صورت که هر دو عامل در به وجود آمدن این افعال مؤثرند. البته نه به این معنا که هر دو عامل مستقلانه و در کنار یکدیگر با نقشی برابر منجر به تصرفات تکوینی می‌شوند، بلکه به این معنا که هر دو عامل بر ایجاد این گونه افعال اعجاز‌آمیز تأثیر گذارند، اما در دو سطح متفاوت. سطح مهم‌تر و والاتر مربوط به فاعلیت خداوند بر این افعال است که ویژگی مهم آن، کاملاً اصالی و مستقلانه بودن آن است. در سطحی پایین‌تر، فاعلیت انسان است که در به وجود آمدن افعال اعجاز‌آمیز نقش دارد؛ اما برخلاف فاعلیت خداوند، هیچ اصالتی از خود ندارد و وجود و تمام حرکات و آثارش وابسته به خداوند است (مصباح یزدی، خداشناسی، 1389: 341-338). نتیجه اینکه، اشکال سلفی گرایان در صورتی صحیح است که امامیه قائل به تأثیر مستقل و اصالی برای اهل بیت (ع) در برابر خداوند باشد؛ در حالی که مدعیان بزرگان امامیه، صدور افعال خارق‌العاده توسط اهل بیت (ع)، مستقل از خدا نیست؛ بلکه وابسته به او و به اذن او و در طول فاعلیت اوست. شرک در صورتی رخ خواهد داد که برای موجودی غیر از خدا و به صورت مستقل، مقام ربوبیت و خالقیت قائل شویم؛ اما اگر به سبب دلیل معتبر، تأثیرات او را غیر مستقل و متکی بر خداوند بدانیم، شرکی رخ نداده است. (ربانی گلپایگانی، 1388: 15-16)

در اینجا مناسب است یکی از اشکالات سلفی گرایان را که مرتبط با این بحث است، نقل کنیم: اشکال این است که اگر حضرت عیسی (ع) در پرده شدن مجسمه گلی نقش داشته، چرا قرآن تصریح می‌کند: حج: 73 که غیر خدا نمی‌توانند حتی مگسی را خلق کنند! (برقی، 1431: 115). بر اساس فاعلیت طولی پاسخ می‌دهیم که مقصود قرآن از عدم خلقت مگس، خلقت مستقل از خداست که غیر ممکن است. اما معجزات حضرت عیسی و سایر انبیا، چون مستقل از پروردگار نبوده، وقوع آنها مشکلی ایجاد نمی‌کند.

چهارم) بررسی اشکال دوم

اشکال دوم از سوی سلفی گرایان نیز تام نیست و آیات ذکر شده در آن را می‌توان در دو دسته جای داد:

دسته اول، آیات پنجم تا هفتم که از محل نزاع خارج‌اند؛ زیرا مقصود این آیات، اداره و سرپرستی عالم نیست. مراد از تبعیت از هوای نفس و شیطان و پیروان شیطان، قطعاً خدا دانستن آنها چه به صورت مستقل و چه غیر مستقل نیست. بنابر این، این دسته از آیات از محل نزاع خارج‌اند.

دسته دوم، آیات اول تا چهارم که ظهورشان نشان می‌دهد مخاطبان این آیات، ملائکه و انبیا و احبار و رهبان را به عنوان رب مستقل از الله فرض گرفتند؛ به ویژه قید «من دون الله» در دو آیه آن، نشان می‌دهد آنان الله را فراموش کرده و خدایان دیگر را جایگزین کرده بودند. علامه طباطبایی درباره آیه سوم می‌نویسد: «از این آیه شریفه معلوم می‌شود کسانی بوده‌اند که بعضی از انبیا را معبود گرفته و بعضی دیگر ملائکه را معبود گرفته بوده‌اند و همین طور هم بوده؛ چون مجوس که ملائکه را تعظیم نموده، برای آنان خضوع می‌کردند... عرب جاهلیت هم ملائکه را دختران خدا می‌دانستند و در عین حال ادعا می‌کردند که

1082 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

بر دین ابراهیم هستند، این درباره ملائکه پرستی؛ و اما پیغمبر پرستی مثالش یهودیت است که بنا به حکایت قرآن کریم، عزیز را پسر خدا می دانستند با اینکه موسی چنین چیزی را برای آنان تجویز نکرده بود. (طباطبایی، 1417، ج 3: 277)

آیه چهارم نیز قطعاً نمی تواند بیانگر تأثیر غیر مستقل بتها باشد، زیرا بت هیچ قدرت و توانی ندارد. بنابر این، آیات دسته دوم دلالتی بر توبیخ و مشرک دانستن مردمی که برخی مخلوقات خدا نظیر انبیا، ملائکه، اجبار و رهبان را مؤثر غیر مستقل در عالم تکوین می دانند، ندارد؛ بلکه نشان می دهد نگاه برخی مردم به این دسته از مخلوقات به گونه ای است که آنان را در عالم تکوین، مؤثر مستقل می دانند.

3. روایات مخالف ولایت تکوینی

محور سوم دلایلی که سلفی گرایان ایران بر عدم ولایت تکوینی اهل بیت (ع) مطرح کرده اند، روایات است. آنان در نوشته های خود روایاتی را ذکر کرده اند که نشان می دهند ائمه (ع) ولایت تکوینی ندارند. حجم این روایات چندان نیست و می توان آنها در دسته های ذیل دسته بندی کرد.

یک) روایاتی که نشان می دهند تکیه ائمه (ع) بر خداوند است، تا جایی که ایشان خود را در دفع شرور، محتاج خداوند می دانند؛ در حالی که اگر ولایت تکوینی داشتند، می توانستند با استفاده از آن، دفع شر کنند (برقی، 1388: 58). برای مثال، در دعای عرفه از قول امام حسین (ع) نقل شده است: «لَمْ تُشْهَرْنِي بِخَلْقِي وَ لَمْ تَجْعَلْ لِي شَيْئًا مِنْ أَمْرِي» (ابن طاووس، 1409: 340)؛ یا در برخی دعاها دیگر از قول معصومین نقل شده است: «لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا» (کلینی، 1407، ج 2: 581) و: «اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ أَنْ خَلَقْتَ فَسَوَّيْتَ وَ قَدَرْتَ وَ قَضَيْتَ وَ أَمَتَّ وَ أَحْيَيْتَ وَ أَمَرَضْتَ وَ شَفَيْتَ». (کنعی، 1418: 131)

دو) روایاتی که نشان می دهد فاعل معجزه، امام نیست؛ بنابر این، اهل بیت (ع) ولایت تکوینی ندارند (طباطبایی، بی تا: 90): «يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّ عَلِيًّا لَمَّا أَظْهَرَ مِنْ نَفْسِهِ الْمُعْجَزَاتِ... فَقَالَ: لَمَّا ظَهَرَ مِنْهُ الْفَقْرُ وَالْفَاقَةُ - دَلَّ عَلِيٌّ أَنَّ مَنْ هَذِهِ صِفَاتُهُ وَ شَارَكَهُ فِيهَا الضُّعْفَاءُ الْمُحْتَاجُونَ - لَا تَكُونُ الْمُعْجَزَاتُ فِعْلُهُ، فَعَلِمَ بِهِذَا أَنَّ الَّذِي ظَهَرَ مِنْهُ [مِنْ] الْمُعْجَزَاتِ إِنَّمَا كَانَتْ فِعْلُ الْقَادِرِ الَّذِي لَا يُشْبِهُ الْمَخْلُوقِينَ، لَا فِعْلُ الْمُحَدَّثِ الْمُحْتَاجِ - الْمُسَارِكِ لِلضُّعْفَاءِ فِي صِفَاتِ الضُّعْفِ». (طبرسی، 1403، ج 2: 439)

سه) روایاتی که تصریح بر عدم ولایت بر تکوین رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) دارد: رُوِيَ عَنْ رِزَارَةَ أَنَّهُ قَالَ قُلْتُ لِلصَّادِقِ (ع): إِنَّ رَجُلًا مِنْ وُلْدِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَبَّأٍ يَقُولُ بِالتَّفْوِيزِ، قَالَ: «وَمَا التَّفْوِيزُ؟» قُلْتُ: يَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ خَلَقَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا ثُمَّ فَوَّضَ الْأَمْرَ إِلَيْهِمَا، فَخَلَقَا، وَ رَزَقَا، وَ أَحْيَا، وَ أَمَاتَا. فَقَالَ: «كَذَبَ عَبْدُ اللَّهِ، إِذَا رَجَعْتَ إِلَيْهِ فَاقْرَأْ عَلَيْهِ آيَةَ الْبَيْتِ فِي سُورَةِ الرَّعْدِ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَشَبَّاهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ». (شيخ صدوق، 1414: 100)

چهار) روایتی که بر عدم ولایت بر تکوین اهل بیت(ع) دلالت می‌کند: «اللهم من زعم ان لنا الخلق و علینا الرزق فنحن الیک منه برائة کبرائه عیسی بن مریم من النصاری اللهم انا لم ندعهم الی ما یزعمون فلا تؤاخذنا بما یقولون». (برقی، 1388: 57)

یک) بررسی سندی و دلالتی روایات

این روایات از دو منظر سند و دلالت قابل بررسی‌اند. به لحاظ سندی، این روایات عموماً ضعیف‌اند و در منابع معتبر نقل نشده‌اند؛ مرجع اصلی روایت دوم، کتاب «التفسیر المنسوب الی امام حسن العسکری» است که بسیاری از بزرگان امامیه در سند آن تردید کرده‌اند(خویی، 1410، ج 12: 147). روایت سوم و چهارم نیز تنها در کتاب «لاعتقادات» شیخ صدوق، بدون ذکر سلسله سند نقل شده است.

از نظر دلالتی نیز اگر تنها خود این روایات مد نظر باشند؛ در دسته اول، مراد از نیاز و تکیه ائمه(ع) این نیست که ایشان ولایت تکوینی ندارند، بلکه مراد، فقر و نداری حقیقی است؛ زیرا تمام هستی و قدرت انسان توسط خدا به او داده شده است. لذا اگر خداوند آبی انسان را به حال خود رها کند، هیچ و نابود خواهد شد. بنابر این، همان طور که قبلاً بیان شد، قدرت بر تصرف در تکوین، بالاصاله از آن خداست و سزاوار نیست انسانی که هیچ از خود ندارد، خود را نسبت خدای خود بی‌نیاز بداند. درباره روایت دوم می‌گوییم: این روایت نباید به تنهایی در نظر گرفته شود؛ زیرا در آیات زیادی از قرآن کریم، معجزه به خود انبیا نسبت داده شده است. علاوه بر این، از آنجا که سطح فاعلیت خداوند کاملاً متفاوت با سطح فاعلیت معصومین(ع) در انجام معجزات است؛ لذا معصومین که نگاه عارفانه‌ای نسبت به این مسئله دارند، نقش خود را در مقابل خداوند، هیچ و بی‌رنگ حساب کرده و معجزات را تنها به خداوند منتسب می‌کنند؛ به ویژه در این روایت که در مقام نفی غلو از اهل بیت(ع) است. اما با توجه به مضمون روایت سوم می‌توان گفت این روایت در مقام نفی ولایت تکوینی بالاصاله، اهل بیت(ع) است؛ زیرا در بخشی از پاسخ امام(ع) به آن شخص در روایت آمده: «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ؟» این بخش از روایت نشان می‌دهد که امام(ع) در مقام پاسخ به شبهه‌ای است که خلقت و تدبیر امور بندگان بالاصاله در اختیار ائمه است. اشکال مشترکی که روایت سوم و چهارم دارند این است که هر دو، تفویض مطلق یا ولایت بر تکوین را نفی می‌کنند؛ در حالی که ادعای سلفی‌گرایان ایران با نقل این روایات، نفی ولایت تکوینی است، که هم شامل ولایت بر تکوین است و هم شامل ولایت در تکوین. توضیح اینکه، ولایت تکوینی قابل انقسام به دو مرتبه است: الف) تفویض محدود یا ولایت در تکوین؛ به این معنا که امام توانایی تصرف در عالم تکوین را به صورت جزئی داشته باشد؛ مانند معجزات و کرامات. ب) تفویض مطلق یا ولایت بر تکوین؛ به این معنا که امام بر نظام هستی ولایت دارد، تدبیر امر بندگان بر عهده اوست، مسئولیت امر روزی، نزول باران، حیات و ممات موجودات و هر آنچه مربوط به مدیریت نظام هستی است، بر عهده اوست(فاریاب، 1392: 118). بنابر این، اگر روایات سوم و چهارم حتی از نظر سندی و دلالتی نیز مشکلی نداشته باشند، اعم از مطلوب‌اند.

1084 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

دو بررسی از منظر برداشتهای عقلی از آیات و روایات دیگر

به غیر از نص آیات و روایات فراوانی که در آنها قدرت بر تصرف در تکوین به اهل بیت (ع) نسبت داده شده؛ برداشتهای عقلی از آیات و روایات نیز تأییدکننده ولایت تکوینی اهل بیت (ع) است. در اینجا دو نمونه از برداشتهای عقلی از این دلایل را با اسلوب منطقی ذکر می‌کنیم.

استدلال اول: این استدلال برگرفته از آیه شریفه «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون» مانده: (55) است:

1. اگر دلایل و قراین کافی وجود داشته باشد، «ولی» در آیه شریفه به معنای ولایت است.
 2. دلایل و قراین کافی وجود دارد.
 3. پس «ولی» در آیه شریفه به معنای ولایت است.
 4. اگر ولایت در آیه شریفه مطلق باشد، ولایت تکوینی را نیز شامل می‌شود.
 5. ولایت در آیه شریفه، مطلق است.
 6. پس ولایت در آیه شریفه، شامل ولایت تکوینی نیز می‌شود.
 7. اگر در آیه شریفه، اسناد واحد (ولی) الی المتعدد (الله، رسول، الذین آمنوا) رخ داده باشد، متعددها از نظر اسناد به واحد، حکم یکسان دارند. (خیا، 1426:168)
 8. در آیه شریفه، اسناد واحد الی المتعدد رخ داده است.
 9. پس متعددها از نظر اسناد به واحد، حکم یکسان دارند.
 10. اگر آیه شریفه درباره امیرالمؤمنین (ع) هم باشد، ولایت تکوینی برای ایشان اثبات می‌شود. (برگرفته از شماره 6)
 11. آیه شریفه درباره حضرت امیرالمؤمنین (ع) هم است.
- نتیجه: حضرت امیرالمؤمنین (ع) ولایت تکوینی دارند.

توضیح 2: درباره معنای لفظ «ولی» در این آیه شریفه، به اختصار باید گفت: اهل سنت بر خلاف شیعیان که معنای «ولی» را سرپرستی و صاحب اختیار بودن معنا می‌کنند، آن را به معنای دوست و ناصر می‌گیرند و در نتیجه، آیه شریفه را شامل تمام مؤمنان می‌دانند. اما بررسی و تحقیق نشان می‌دهد دلایل و قرائن متعددی وجود دارد که لفظ «ولی» در این آیه شریفه به معنای سرپرستی و صاحب اختیار بودن است و نه دوست و ناصر؛ از جمله: الف) لفظ «انما» در آیه شریفه حصری حقیقی و مطلق است و ولایت را خاص و انحصاری می‌کند؛ در حالی که معنای دوست و ناصر، عام است و انحصار ندارد. ب) ظاهر آیه شریفه یکسویه بودن ولایت را می‌رساند؛ به این معنا که در امت اسلامی، ولایت در انحصار خدا و رسول و مؤمنان خاص است و بقیه مردم مولی علیه هستند. این با ولایت به معنای دوست و ناصر که ولایتی دوسویه

را می‌رساند کاملاً متفاوت است (جوادی آملی، 1390، ج 23: 116-115). ج) روایات فراوانی، سبب نزول آیه شریفه را حضرت امیرالمؤمنین (ع) معرفی می‌کنند و در منابع شیعه و اهل سنت نقل شده (امینی، 1416، ج 2: 93-92؛ آلوسی، 1415، ج 3: 334)، که با ولایت به معنای سرپرستی سازگار است. همچنین می‌توان در تأیید نزول آیه شریفه برای حضرت امیرالمؤمنین (ع) و عدم عمومیت آن، به قید «و هم راکعون» در آیه شریفه اشاره کرد که عمومیت «لَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ» را تخصیص می‌زند و قابلیت انطباق بر همه مؤمنان را ندارد (بحرانی، 1417: 96). به روایت نبوی نیز می‌توان اشاره کرد که در تفاسیر شیعه و سنی نقل شده و در آن رسول خدا (ص) از قول جناب ابوذر در هنگام خاتم‌بخشی امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: «اللَّهُمَّ إِنِّ أُنحَى مَوْسَى سَأَلَكَ، فَقَالَ: رَبُّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي... اللَّهُمَّ و أَنَا مُحَمَّدٌ نَبِيكَ وَ صَفِيكَ فَاشْرَحْ لِي صَدْرِي وَ يَسِّرْ لِي أَمْرِي وَ اجْعَلْ لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِ عَالِيَا أَشْهَدُ بِه ظَهْرِي. قَالَ أَبُو ذَرٍّ: فَوَاللَّهِ مَا أَتَمَّ رَسُولَ اللَّهِ هَذِهِ الْكَلِمَةَ حَتَّى نَزَلَ جَبْرِيْلُ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ اقْرَأْ إِنَّمَا وَرِثْتُمُ اللَّهَ وَ رَسُوْلُهُ إِلَيَّ آخِرَهَا». (فخرالدین رازی، 1420، ج 12: 383؛ ثعلبی نیشابوری، 1422، ج 4: 81)

توضیح 4: ممکن است کسی شبهه کند که آیا در آیات دیگر قرآن معنای ولایت تکوینی از لفظ «ولی» قصد شده است؟ پاسخ این است که در مواردی لفظ «ولی» در قرآن به معنای ولایت تکوینی آمده است؛ نظیر «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَ هُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

توضیح 7: اگر ولایت الله و رسول و الذین آمنوا یکسان نباشند، در این صورت اسناد امر واحدی به آنها صحیح نیست و لازم بود در این صورت گفته شود: انما ولیکم الله و ولیکم رسوله و ولیکم الذین آمنوا.

توضیح 11: دیدگاه شیعه امامیه درباره شأن نزول این آیه شریفه، اختصاص آن به حضرت امیرالمؤمنین (ع) است. اما اگر از این اختصاص نزول کنیم و آیه شریفه را شامل غیر حضرت نیز بدانیم، همچنان که بسیاری از اهل سنت این برداشت را از آیه شریفه داشته‌اند (آلوسی، 1415، ج 3: 334؛ حکانی، 1411، ج 1: 247-209؛ سبحانی، 1384: 124)؛ باز هم آیه شریفه، ولایت تکوینی امیرالمؤمنین (ع) را ثابت می‌کند.

استدلال دوم: استدلال دوم از کنار هم قرار دادن دو آیه قرآن و روایت صحیح به دست می‌آید که عبارتند از:

«قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ». (نمل: 40)

«قُلْ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ». (رعد: 43)

«عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سُئِلَ عَنِ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَعْلَمُ - أَمْ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ فَقَالَ مَا كَانَ عِلْمُ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ عِنْدَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ إِلَّا بِقَدْرِ مَا تَأْخُذُ الْبُغُوضُ بِجَنَاحِهَا مِنْ مَاءِ الْبَحْرِ...». (قصی، 1404، ج 1: 367)

راویان این روایت که عبارتند از: علی بن ابراهیم (نجاشی، 1407: 260)، ابراهیم بن هاشم قمی (همان: 16)، شیخ

1086 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

طوسی، بی تا: 12) و محمد ابی عمیر (کشی، 1347: 556)، در کتب معتبر رجالی، ثقه و از بزرگان شمرده شده‌اند.

صورت‌بندی استدلال:

1. اگر در آیه شریفه اول، تعلیق حکم بر وصف رخ داده باشد، آیه شریفه مشعر به علّیت است؛ یعنی کسی که علم من کتاب دارد، ولایت تکوینی خواهد داشت.
2. در آیه شریفه اول، تعلیق حکم (تصرف تکوینی) بر وصف (دارا بودن علمی از کتاب) رخ داده است.
3. آیه شریفه اول مشعر به علّیت است؛ یعنی کسی که علم من کتاب دارد، ولایت تکوینی خواهد داشت.
4. هر کس علم کتاب دارد، حتماً علم من کتاب دارد. (بر اساس اولویت)
5. کسی که علم من کتاب داشته باشد، ولایت تکوینی دارد. (بر اساس شماره 3)
6. پس هر کس علم کتاب دارد، ولایت تکوینی دارد.
7. اهل بیت (ع) علم کتاب دارند. (بر اساس آیه دوم و روایت)
8. هر کس علم کتاب دارد، ولایت تکوینی دارد. (بر اساس شماره 6)
9. اهل بیت (ع) ولایت تکوینی دارند.

توضیح 1: معنای تعلیق حکم بر وصف و کشف علّیت، این است که اگر حکم بر وصفی بار شد، مثلاً گفته شد «به عالم احترام بگذار»، می‌فهمیم حکم به خاطر آن وصف بر آن بار شده است. بنابر این، دلیل احترام به عالم، علم اوست. اما اگر حکم بر وصف بار نشد، مثلاً گفته شد «به محمد احترام بگذار»، اینجا علّیت کشف نمی‌شود و شخص می‌تواند سؤال کند چرا به محمد احترام بگذارم. در بحث ما نیز به دلیل تعلیق تصرف تکوینی بر علم داشتن به کتاب، می‌فهمیم نتیجه علم به کتاب، ولایت تکوینی است.

توضیح 4: بر اساس اولویت، کسی که همه علم به کتاب را دارد، قطعاً بخشی از علم به کتاب را خواهد داشت.

توضیح 5: مطابق با آیه شریفه، کسی که علم من کتاب داشته باشد، می‌تواند در عالم تکوین تصرف کند؛ زیرا حکم تصرف در عالم تکوین بر وصف «دارا بودن علم من کتاب» متوقف شده است. (صالح، 1393: 106)

توضیح 7: برای اثبات این مقدمه، دو نکته باید تبیین شود. اول اینکه، روایات فراوانی وجود دارند که نشان می‌دهند مراد از «عنده علم کتاب» در آیه دوم، اهل بیت (ع) می‌باشند؛ برای نمونه، در روایت وارد شده است: «لَذِي عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ» (قمی، 1404، ج 1: 367). به لحاظ ادبی نیز زمانی که مصدر اضافه شود (علم کتاب)، افاده عموم می‌کند. همچنین مفرد (علم) زمانی که محلی به «ال» شود، دلالت بر عموم دارد. بنابر این، تعبیر «علم کتاب» در روایت، از دو طریق بر عموم دلالت می‌کند.

نکته دوم درباره معنای «کتاب» در دو آیه قرآن است که آیا به یک معنا اشاره دارند یا معانی متفاوت

دارند؟ اگر معانی کتاب در دو آیه شریفه متفاوت باشد، نمی‌توان از آنها ولایت تکوینی داشتن اهل بیت(ع) را برداشت کرد. بنابر این، لازم است مقصود از کتاب در هر دو آیه شریفه روشن شود. به همین منظور می‌گوییم: الف و لام در الکتاب در آیه اول، عهد است و اشاره به کتاب خاصی دارد؛ بنابر این، باید ببینیم مراد از کتاب در قرآن کریم چیست که این الف و لام به آن اشاره دارد. کاربردهای واژه کتاب در قرآن کریم بیشتر درباره کتابهای آسمانی(حدید: 25) است؛ سایر کاربردهای کتاب در قرآن کریم عبارتند از: هرگونه نوشته(نمل: 29)، قرارداد مکتوب(نور: 33)، حکم الهی(نساء: 29)، سرنوشت و قضای الهی(اعراف: 37)، نامه اعمال(اسراء: 13) و لوح محفوظ(اسراء: 58). ظاهر مقصود تمام معانی ذکر شده به استثنای معنای لوح محفوظ، به گونه‌ای است که ارتباط صحیحی بین آنان و آوردن تخت بلقیس وجود ندارد؛ برای مثال، بین دانستن معنای بخشی از نوشته‌ای یا قرارداد مکتوبی و حاضر کردن تخت بلقیس، چه ارتباطی وجود دارد؟ علاوه بر این، بسیاری از معانی مذکور در تطبیق با آیه شریفه، دلالت بر علم به امری مادی دارند؛ برای مثال، مقصود از علم به نوشته یا قرارداد مکتوب یا کتاب آسمانی، علم به نوشته‌ای کاغذی و مادی است؛ در حالی که حاضر کردن تخت بلقیس، تصرف در امور تکوینی است و از سنخ امور معنوی محسوب می‌شود. امور این چنینی، با علم به امور مادی حاصل نمی‌آید. مهم‌تر اینکه، تمام معانی ذکر شده به استثنای لوح محفوظ، معنایی دارند که آگاه شدن نسبت به آن معنا برای هر انسانی به آسانی ممکن است و می‌توان انسانهای زیادی را یافت که مشمول آگاهی از این معانی‌اند؛ برای مثال، نسبت به برخی کتابهای آسمانی یا نوشته‌ها یا قراردادهای مکتوب یا احکام الهی و... آگاهی دارند، ولی چنین قدرتی ندارند؛ در حالی که تعبیر قرآن کریم در آیه شریفه اول، به گونه‌ای است که نشان می‌دهد علم به بخشی از کتاب، به آسانی ممکن نیست و آگاهی یافتن از آن، خصوصیت افرادی خاص از جمله آصف بن برخیاست. این برداشت از آیه شریفه، تنها با کتاب به معنای لوح محفوظ سازگاری دارد. آیه شریفه دوم نیز که روایات مصداق آن را حضرت امیرالمؤمنین(ع) دانسته‌اند، تنها با معنای لوح محفوظ از کتاب سازگار است؛ زیرا اولاً، شهادت عالم به کتاب در ردیف شهادت الله قرار داده شده و این نشانه انحصاری بودن این مقام برای شخص خاصی است. اما اگر مراد از علم به کتاب، غیر از لوح محفوظ بود، در این صورت بسیاری از افراد می‌توانستند به آن علم دست یابند و این با انحصاری بودن این مقام، سازگار نیست(صالح، 1393: 163-165؛ نصیری، 1392: 31-12؛ هاشمی، 1392: 49-50). ثانیاً، روایات فراوانی، مصداق عالم به کتاب را حضرت امیرالمؤمنین(ع) دانسته‌اند. بنابر این، مراد از کتاب در هر دو آیه شریفه، لوح محفوظ است.

ج) جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

سلفی‌گرایان ایران در رد و نقد اندیشه ولایت تکوینی اهل بیت(ع) دلایل و شبهاتی را مطرح می‌کنند که حول سه محور غلو، شرک و تناقض با برخی روایات خلاصه می‌شود. به اعتقاد آنان، نتیجه باور به ولایت

1088 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

تکوینی اهل بیت (ع)، عطا کردن شأن و منزلتی فراتر از ظرفیت آنان به ایشان است؛ یا شریک قائل شدن برای خداوند در امور مربوط به خلقت و ایجاد که مختص خداست، با تصریح روایاتی که به عدم ولایت تکوینی اهل بیت (ع) اشاره دارد، در تضاد است. این پژوهش نشان داد دیدگاه سلفی گرایان ایران نسبت به ولایت تکوینی ائمه (ع) محصول نگاهی خاص به دسته‌ای خاص از آیات و روایات است که اگر نخواهیم دیدگاه خود را بر آن دسته از آیات و روایات تحمیل کنیم، حتی در آن دسته از آیات و روایات نیز ناتمام است و با در نظر گرفتن مجموعه نصوص (آیات قرآن و روایات)، دیگر مجالی برای خودنمایی به دیدگاه آنان باقی نمی‌ماند. به تعبیر کامل‌تر؛ با در نظر گرفتن روایاتی که فضایی خاص را برای ائمه (ع) حتی در هنگام خلقتشان و مأذون بودن ایشان برای تصرف در امور تکوینی مطرح کرده‌اند؛ می‌توان نتیجه گرفت که اولاً، ظرفیت ایشان مانند سایر انسانهای معمولی نیست و ثانیاً، تصرفات ایشان در امور تکوینی با اذن خدا و در طول فاعلیت خداست. بنابر این، ولایت تکوینی ائمه (ع) قطعی است و هیچ تضادی با ولایت خداوند بر تکوین ندارد.



منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود (1415 ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (1409 ق). اقبال الاعمال. تهران: دارکتب الاسلامیه.
- امینی، عبدالحسین (1416 ق). التقدير فی الكتاب و السنه و الادب. قم: مرکز الغدير.
- بحرانی، علی بن میثم (1417 ق). النجاه فی القیامه. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- برقی، سید ابوالفضل (بی تا). تضاد قرآن و مفاتیح. کتابخانه سایت عقیده.
- برقی، سید ابوالفضل (1388). درسی از ولایت. بی جا: بی نا.
- برقی، سید ابوالفضل (1431 ق). عرضه اخبار اصول بر قرآن و عقول. بی جا: عقیده، تحریر دوم.
- ثعلبی نیشابوری، احمد بن ابراهیم (1422 ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (1389). ولایت فقیه: ولایت، فقاہت و عدالت. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1390). تسنیم. قم: اسراء.
- حسکانی، عبدالله بن احمد حام (1411 ق). شواهد التنزیل لقواعد التفضیل. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلّی، ابن داوود (1383 ق). رجال ابن داوود. تهران: دانشگاه تهران.
- خاکپور، رحیم (1395). «نمونه‌ای از همگرایی مذهب اسلامی در اعتماد محدثان اهل سنت به راوی شیعی عباد بن یعقوب». مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی، ش 43: 60-71.
- خباز، سید ضیاء (1426 ق). الولایه التکوینیّه. قم: مدین.
- خوئی، سید ابوالقاسم (1410 ق). معجم الرجال الحدیث. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- ربانی گلپایگانی، علی (1388). «نقش فاعلی امام در نظام آفرینش». انتظار موعود، ش 16.
- زبیدی، محمد بن مرتضی (1414 ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (1384). کاوشهایی پیرامون ولایت. قم: مؤسسه امام صادق.
- شاهرجیان، غلامرضا (1392). «گستره ولایت تکوینی اهل بیت (ع) در اصول کافی و بصائر الدرجات». امامت پژوهی، ش 9: 129-156.
- شیخ صدوق (1414 ق). الاعتقادات. قم: کنکرة شیخ مفید.
- شیخ صدوق (1376). الامالی. تهران: کتابچی.
- شیخ صدوق (1398 ق). التوحید. قم: جامعه مدرسین.
- شیخ صدوق (1378 ق). عیون اخبار الرضا (ع). تهران: نشر جهان.
- شیخ صدوق (1395 ق). کمال الدین و تمام النعمه. مصحح غفاری. تهران: اسلامیه.
- شیخ صدوق (1413 ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح: علیاکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی ج دوم.

1090 ♦ تحلیل و بررسی ادله سلفی گرایان ایران در نقد ولایت تکوینی اهل بیت (ع)

- شیخ طوسی (بی تا)، الفهرست. نجف: المکتب المرتضویه.
- شیخ طوسی (1381 ق). رجال. نجف: حیدریه.
- شیخ مفید (1371). تصحیح اعتقادات الامامیه. قم: المؤتمر العالمی لألفیه الشیخ المفید.
- صالح، سید محمد حسن (1393). «ارتباط مفهومی علم الکتاب و ولایت تکوینی اهل بیت». معرفت کلامی، ش 13.
- صالح، سید محمد حسن (1397). ولایت تکوینی اهل بیت (ع) از دیدگاه قرآن و روایات. قم: موسسه امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (1417 ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید مصطفی (بی تا). راهی به سوی وحدت. بی جا: بی نا.
- طبرسی، احمد بن علی (1403 ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: مرتضی.
- علامه حلی (1411 ق). الخلاصه. قم: دار الذخائر.
- فاریاب، محمد حسین (1392). «جستاری در شأن ولایت تکوینی اهل بیت». آینه معرفت، ش 34.
- فخرالدین رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر (1420 ق). مفاتیح الغیب. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (1409 ق). العین. قم: هجرت.
- فرمانیان، مهدی (1395). تاریخ تفکر سلفی گری از آغاز تا عصر حاضر. قم: موسسه مطالعات بنیان دینی.
- فرمانیان، مهدی (1393). معارف کلامی شیعه؛ کلیات امامت. قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- قرضاوی، یوسف (بی تا). الصحوه الاسلامیه. بی جا: معاصر.
- قلمدارن، حیدر علی (بی تا)، راه نجات از شر غلات (در ولایت و حقیقت آن). بی جا: بی نا.
- قمی، علی بن ابراهیم (1404 ق). تفسیر القمی. تصحیح: طیب موسوی جزائری. قم: دارالکتاب.
- کشی، محمد بن عمر (1347). رجال. مشهد: دانشگاه مشهد.
- کفعمی، ابراهیم بن علی عاملی (1418 ق). البلد الامین و الدرع الحصین. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1407 ق). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مصباح یزدی، محمد تقی (1389). خداشناسی (مجموعه کتب آموزشی معارف قرآن). تحقیق: امیررضا اشرفی. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمد تقی (1376). معارف قرآن. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- نجاشی، احمد بن علی (1407 ق). رجال. قم: جامعه مدرسین.
- نصیری، علی (1392). «مصادق شناسی آیه و من عنده علم الکتاب». امامت پژوهی، ش 11: 31-12.
- هاشمی، سید علی (1392). «ماهیت و قلمرو علم الکتاب». معرفت، ش 187: 50-49.
- **The Holly Quran.**
- Allamah Hilli, Hasan bin Yusuf (1411 AH). **Al-Kholase.** Qom: Dar Al-Zakhaer.
- Alusi, Mahmud (1415 AH). **Ruh al-Maani.** Beyrouth: Dar al-kotob al-ilmiah.
- Amini, Abdulhosein (1416 AH). **Al-Ghadir.** Qom: Al-Ghadir Center.

- Bahrani, Ali bin Maitham (1417 AH). **Surviving in the Residency**. Qom: Islamic thought complex.
- Borghe'e, Seyed Abolfazl (2009). **Darsi az Velayat**.
- Borghe'e, Seyed Abolfazl (n.d). **Quran and Mafatih Contradictions**. Idea Site Library.
- Borghe'e, Seyed Abolfazl (1388 AH). **Qutation of News of Principles on Quran and Wisdoms**. Idea Publication, 2nd. Ed.
- Fakhr al-Din Al-Razi, Muhammad ibn Umar (1420 AH). **Mafatih Al-Ghayb**. Beyrouth: Dar ehia al-tourath al-arabi.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad (1409). **Al-Ayn**. Qom: Hejrat.
- Farmanian, Mehdi (2014). **Shia Theological Knowledge**. Qom: University of Religions and Denominations.
- Farmanian, Mehdi (2016). **The History of Salafi Doctrine from Past to Present**. Qom: Bonyan.
- Faryab, Mohamad Hosein (2013). "An Inquiry into the the Developmental Province of the Prophets Household". *Ayeneh Marefat*, No. 34.
- Hashemi, Sayyed Ali (2013). "The Nature and Domain of the Knowledge of the Book". *Marifat*, No. 187: 49-50.
- Haskani, Abaidullah ibn Ahmad (1411). **Shawahid At-Tanzeel Liquawaid At-Tanzil**. Tehran: Ministry culture & Islamic Guidance.
- Hilli, Ibn Dawud (2004). **Al-Rijal**. Tehran: University of Tehran Press.
- Ibn Tawus, Ali ibn Musa (1409). **Al-Iqbal li Salih Al-a'mal**. Tehran: Islamic Books House.
- Javadi Amoli, Abdullah (2011). **Tasnim**. Qom: Esra.
- Javadi, Amoli, Abdullah (2010). **Wilayat-e Faqih: The Role of Equality and Divine Law**. Qom: Esra Publishing.
- Kafami, Ibrahim ibn Ali (1418). *Al-Balad Al-Amin*. Beyrouth: Al-Alami Library.
- Kashi, Muhammad ibn Umar (1968). **Al-Rijal**. Mashhsd: University of Mashhsd Press.
- Khabbaz, Seyyed Ziya (1426 AH). **Al-Velayat Al-Takvini**. Qom: Madyan.
- Khakpoor, Rahim (2016). "An appearance of Integration of Islamic Sects in Trusting of Sonni Narrators to Shi'a Narrator Abbad ebn Yaqub". *Motaleat-e Taghrib-e Mazaheb-e Eslami*. No 43: 60-71.
- Khoii, Seyyed Abolgasem (1410 AH). **Handbook of Tradition Men**. Qom.
- Koleini, Mohammad Ibn Ya'qub (1407 AH). **Al-Kafi**. Tehran: Dar al-Kotob al- ilmiyah.
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi (1997). **Maaref-e- Quran**. Qom: Imam Khomeini Education and Reserch Institute.
- Misbah Yazdi, Muhammad Taqi (2010). **Theism**. Qom: Imam Khomeini Education and Reserch Institute.

- Najashi, Ahmad Ibn Ali (1407 AH). **Najjashi Men**. Qom: Islamic Publishing Institute.
- Nasiri, Ali (2013). "References of the Verse **“Allah, and whosoever Hath Knowledge of the Scripture, is Sufficient witness between me and you”**". *Emamt Pajouhi*, No. 11: 12-31.
- Qalamdaran, Heidar Ali (n.d). **The Release Way from Corps**.
- Qardawi, Yusuf (n.d). **al-Şahwah al-Islamyah**. Moaser.
- Qomi, Ali Ibn Abraham (1404). **Tafsir Qomi**. Qom: Dar al-Kitab.
- Rabbani Golpayagani, Ali (2009). "Imam's Role in the System of Creation". *Entizar e Moud*, No. 16: 15-16.
- Saleh, Sayyid Mohammad Hasan (2018). **Takvini Guardianship of the Infallibles from the Viewpoint of Quran and Traditions**. Qom: Imam Khomeini Education and Reserch Institute.
- Saleh, Sayyed Mohammad Hasan (2014). "The Relation between **“Knowledge of the Book” and Ontological Guardianship of the Household of the Prophet**". *Marifat-e Kalami*, No. 13.
- Shah-Rajabian, Gholom Reza (2013). "The Scope of Generic Welayat of Prophet's Household (AS) in Usul al-Kafi and Basaer al-Darajat". *Emamt Pajouhi*, No. 9: 129-156.
- Sheykh Mufid, Muhammad ibn Muhammad ibn al-Nu'man (1992). **Tashih al-Itiqadat. Qom: The Millennium Conference Sheikh Al-Mufid**.
- Sheykh Sadough (1988). **Al-Amali**. Tehran: The Book.
- Sheykh Sadugh (1414 AH). **Al-Eteqadat**. Qom: Sheikh Mofid Congress.
- Sheykh Sadugh (1395 AH). **Kamal Al-Din and the Itmam Al-Naima**. Tehran: Islamiyah.
- Sheykh Sadough (1413 AH). **Man laa yahzaru al-Faqih**. Investigator: Ghafari. Qom: Book of Islamic Propaganda.
- Sheykh Sadugh (1398 AH). **Theism**. Qom
- Sheykh Sadugh (1378 AH). **Uyoun Akhbar Al-Ridha**. Qom: Jahan.
- Sheykh Toosi, MohammadIbn Hasan (n.d). **Al-Toosi Reference**. Nejad.
- Sheykh Toosi, Mohammad ibn Hasan (1381 AH). **Toosian Men**. Nejad.
- Sobhani, Jafar (2005). **Considers about Velayat**. Qom: Publishig of Imam Sadegh.
- Tabarsi, Ahmade ibn Ali (1403 AH). **Al-Ihtijaj**. Mashhsd: Morteza Publishing.
- Tabataba'i, Seyyed Mohammad Hussein (1417 AH). **Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran**. Qom: Islamic Publications.
- Tabataba'i, Seyyed Mostafa (n.d). **Rahi be Suye Vahdat**.
- Thalabi, Ahmad ibn Ibrahim (1422 AH). **Al-Kashf wa-l-bayqn an tafsir al-Qur'an**. Beyrouth: Dar ehia al-tourath al-arabi.
- Zobaydi, Murtada (1414). **Taj al-Arus Min Jawahir al-Qamus**. Beyrouth: Dar ah Fecr.

